فصلنامه تحقیقات جدید در علوم انسانی
Human Sciences Research Journal
دوره چهارم، شماره ۳۳، بهار ۱٤۰۰، صص ٤۱۲-۳۹۱
New Period 4, No 33, 2021, P 391-412
شماره شاپا (۲٤۷٦-۷۰۱۸) ISSN (2476-7018)

بررسی رابطه حمایت اجتماعی بنیاد شهید و ایثارگر شهر نیشابور از خانواده‌های شاهد و ایثارگر با میزان هویت یابی افراد این خانواده‌ها

دکتر علی اکبر مجدی[۱]. دکتر مژگان عظیمی[۲]. حسین رمضانی[۳]
۱. استادیار گروه آموزشی علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد، ایران
Majdi@um.ac.ir
۲. دانشیار پژوهش جهاد دانشگاهی، ایران
۳. حسین رمضانی، کارشناس ارشد جامعه شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد قوچان، قوچان، ایران

چکیده
مقاله حاضر حاصل پژوهشی است که با هدف بررسی رابطه حمایت اجتماعی و ابعاد آن (حمایت اجتماعی ادراک شده و حمایت اجتماعی دریافت شده) به‌عنوان متغیر مستقل با سبکهای هویتی (برگرفته از نظریه برزونسکی) به‌عنوان متغیر وابسته صورت گرفته است.
این پژوهش که از نوع توصیفی و تحلیلی و از بعد هدف کاربردی می‌باشد، به روش میدانی و پیمایشی با استفاده از روش‌های آمار توصیفی و استنباطی در جامعه آماری شامل کلیه فرزندان خانواده شهدا، جانبازان ۵۰ درصد به بالا و آزادگان شهر نیشابور که تعداد کل آنها ۳۹۳۸ نفر می باشد، انجام شده است.
نتایج نشان داد که حمایت اجتماعی دریافت شده تاثیر بیشتری بر سبکهای هویتی پاسخگویان دارد. رابطه حمایت اجتماعی با سبکهای هویت اطلاعاتی، هویت هنجاری و تعهد هویت مستقیم بوده و با سبک هویت سردرگم- اجتنابی منفی می‌باشد. نتایج نشان داد میزان حمایت اجتماعی برای پاسخگویان زن از پاسخگویان مرد بیشتر بوده و همچنین بین پاسخگویان مرد و زن برحسب سبکهای هویتی تفاوت وجود دارد.

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-23]

پاسخگویان زن بیشتر از پاسخگویان مرد از سبکهای هویت اطلاعاتی، هنجاری و تعهد هویت استفاده می‌کنند، و در مقابل پاسخگویان مرد بیشتر از سبک هویت سردرگم استفاده می کنند. متغیرهای سن و سطح تحصیلات با سبک هویت اطلاعاتی، سبک هویت هنجاری و تعهد هویت رابطه معنادار دارد ولی رابطه سن با سبک هویت سردرگم – اجتنابی معنادار بدست نیامد.

واژه‌های کلیدی: حمایت اجتماعی ادراک شده، حمایت اجتماعی دریافت شده، سبکهای هویتی برزونسکی

مقدمه

فرزندان شاهد در جریان زندگی فردی و اجتماعی خود با چالش‌های فراوانی مواجه هستند که در برخورد با این چالش‌ها، نقش شبکه‌های اجتماعی آنان در فراهم نمودن انواع حمایت‌های اجتماعی بسیار با اهمیت است. اینها با توجه به شرایط خاصی که دارند زودتر در معرض آسیب های ناشی از بی توجهی و نادیده گرفته شدن، قرار می‌گیرند. یکی از مسائلی که در مورد فرزندان خانواده های شاهد کمتر مورد توجه قرار گرفته است مسئله هویت یابی آنها می باشد. فرایند هویت‌یابی، امری مجزا از محیط اجتماعی نیست، بلکه هویت در ارتباط با اجتماع شکل می‌گیرد. یکی از عواملی که بر هویت‌یابی تاثیرگذار بوده و کمتر به آن توجه شده است، حمایت اجتماعی می باشد. (اریکسون، ۱۹۶۸)

روابط اجتماعی از عناصر اساسی هر جامعه محسوب می‌شود و هسته‌ی اصلی جامعه را شکل می‌دهد و موجب می‌شود که کنش‌گران با گسترش پیوندهای خود، کنش‌های خود را در ساختار جامعه تسهیل نمایند و از این طریق به اهداف خود دست یابند. همه‌ی افراد در جامعه به نوعی در تلاش برای برقراری ارتباط با دیگران می‌باشند تا مبادلات خود را در زمینه‌های مختلف سرعت دهند (صالحی ۱۳۸۶).

حمایت اجتماعی برای هر فرد یک رابطه امن و اطمینان بخش را به وجود می آورد. همچنین حمایت اجتماعی یک کمک دو جانبه است که باعث ایجاد تصور مثبت از خود، پذیرش خود و احساس ارزشمندی می شود و همه این موارد در نهایت به فرد فرصت خودشکوفایی می دهد. مطالعات زیادی بر اهمیت حمایت اجتماعی و تاثیرات آن بر جنبه‌های مختلف زندگی تاکید داشته و رابطه آن را با موضوعات مختلف مورد بررسی قرار داده اند. تحقیقات بسیاری حکایت از آن دارند که برخورداری از حمایت اجتماعی مطلوب، فشار روانی را تعدیل می‌کند به عنوان مثال، راتوس[1](۱۹۹۰) معتقد است که حمایت اجتماعی اثرات نامطلوب فشار روانی را از طریق پنج روش توجه عاطفی، یاری رسانی، اطلاعات، ارزیابی و جامعه پذیری تعدیل و تضعیف می‌کند، پژوهش فلمینگ[2]و همکاران (۱۹۸۲) نیز بر نقش تعدیل‌کننده حمایت اجتماعی بر استرس تاکید داشته است. لو[3](۱۹۹۷) معتقد است حمایت اجتماعی اثرات رویدادهای

1. Rathus
2. fleming
3. lu

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-23]

استرس‌زا را تعدیل می‌کند و به تجربه عواطف مثبت می‌انجامد. لی و آندرز (۲۰۰۵) نشان دادند که حمایت اجتماعی موجب فائق آمدن بر مشکلات زندگی زناشویی می‌شود.

تعریف مفهوم حمایت اجتماعی

مفهوم حمایت اجتماعی[1]از نظریهٔ مشهور امیل دورکهایم[2](۱۹۵۲)، جامعه‌شناس فرانسوی، در خصوص رابطهٔ انسجام اجتماعی و میزان خودکشی برگرفته شده است. بنابر نظر دورکهایم، هرچه احساس پیوند فرد با گروهش (برای مثال با خانواده‌اش) بیش‌تر باشد (انسجام اجتماعی بالا)، احتمال به خطر افتادن سلامتی فرد کاهش می‌یابد و برعکس حتی ممکن است در چنین شرایطی فرد سلامت خود را به خاطر دیگران به خطر بیندازد (عبداللهی، ۱۳۸۱: ۸).

یکی از اولین تعریف‌ها در این خصوص به کوب[3](۱۹۷۶) بازمی‌گردد. وی حمایت اجتماعی را چنین تعریف می‌کند: اعتقاد شخصی که در نتیجه آن، فرد دوست داشته می‌شود، مورد احترام قرار می‌گیرد و ارزشمند می‌شود و به یک شبکه اجتماعی و تعهدات متقابل وصل می‌شود. ازنظر وی حمایت اجتماعی باعث می‌شود افراد باور کنند که مورد علاقه، مراقبت، عشق، احترام هستند و برای دیگران ارزشمندند و به شبکه‌ای با تعهدات دوسویه تعلق دارند

لیو و همکاران (۲۰۰۱) حمایت اجتماعی را به عنوان ارتباطات مفید بین افراد در نظر گرفته است. به عبارت دیگر، منظور از حمایت اجتماعی، تبادلات بین فردی در میان اعضای شبکه به صورت دوسویه، غیررسمی و معمولاً خود به خودی و سودمند است. (حیدری، ۱۳۸۸).

کان[4]حمایت اجتماعی را به عنوان یک منبع کلی و در دسترس از شبکه ی دوستان و آشنایان فرد مفهوم سازی کرده که به فرد در مواجهه با مشکلات روزانه یا بحرانهای جدی‌تر کمک می‌کند و این حمایت باید به صورت دوسویه در شبکه اجتماعی‌شان برقرار باشد. (معتمدی شلمزاری و دیگران، ۱۳۸۱: ۱۳۰).

حمایت اجتماعی، طبق نظر موس(۱۹۷۳) « احساس ذهنی از تعلق داشتن، پذیرفته شدن، دوست داشته شدن، و مورد نیاز بودن، به خاطر خود فرد و به خاطر آنچه می‌تواند انجام دهد»، است.

انواع حمایت اجتماعی

تقسیم بندیهای مختلفی از حمایت اجتماعی شده است: دیویسون و همکاران (۲۰۰۴) دو جنبهٔ عمده برای حمایت اجتماعی مطرح کرده است: حمایت ساختاری و حمایت کارکردی. درتقسیم‌بندی دیگری، ویلز (۱۹۹۸) چهار نوع حمایت اجتماعی را تعریف می‌کند که می‌تواند زیرگروه حمایت کارکردی قرار گیرد: حمایت ابزاری، حمایت احترامی، حمایت اطلاعاتی و حمایت همراهانه. هاوس (۱۹۸۱) این چهار نوع

1. Social Support
2. Durkheim, E
3. Cobb
4. Kane

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-23]

حمایت اساسی را به این گونه مطرح می‌کند که عبارتند از: حمایت هیجانی (اعمال احترام‌آمیز)، حمایت ارزیابی‌کننده (پسخوراند درباره‌ی رفتار و دیدگاه افراد)، حمایت اطلاعاتی (نصیحت و جمع‌آوری اطلاعات مؤثر در حل مسأله) و حمایت ابزاری.

ولمن در تقسیم‌بندی حمایت‌های اجتماعی به موارد زیر اشاره می‌کند: حمایت مصاحبتی، حمایت عاطفی، حمایت خدماتی، حمایت مالی، حمایت اطلاعاتی، و حمایت مشورتی. فیشر نیز بر سه نوع حمایت تأکید می‌کند که عبارتند از: حمایت مشورتی، حمایت مصاحبتی و حمایت عملی. سارافینو (۱۹۹۸) به دسته بندی حمایت اجتماعی در ۵ مقوله حمایت عاطفی، ارزشیابانه، ابزاری یا ملموس، اطلاعاتی، و شبکه‌ای پرداخت. در تقسیم‌بندی دیگر انواع حمایت اجتماعی به سه دسته حمایت اجتماعی عاطفی، حمایت اجتماعی ابزاری و حمایت اجتماعی اطلاعاتی تقسیم شده است. و درنهایت می توان حمایت اجتماعی در دو بعد ذهنی و عینی مورد بررسی قرار داد که منظور از بعد ذهنی حمایت اجتماعی همان حمایت اجتماعی ادراک شده و منظور از بعد عینی حمایت اجتماعی، حمایت اجتماعی دریافت شده می باشد.

تعریف مفهوم هویت و هویت یابی

از مفهوم هویت تعاریف مختلفی شده است؛ در واقع هویت واقعیتی چند بعدی است و از منظر هر رشته از علوم تعریف خاصی را به خود اختصاص می‌دهد با این وصف تمامی آنها بر خصایص مشترکی به مانند داشتن تصویری خاص و روشن از خود، جامعه وجهان وکسب کردن نظام ارزشی که در آن خوبی‌ها بدیها و بایدها ونبایدها را تعریف میکند، اشاره دارد.

هویت درفرهنگ لغت فارسی عمید چنین تعریف شده است: هویت یعنی حقیقت شیء یا شخص که مشتمل برصفات جوهری او باشد؛ شخصیت، ذات، هستی و وجود منسوب به او ؛ در فرهنگ فارسی معین "هویت" در معنای کلمه هستی و آنچه موجب شناسایی می‌شود آمده است.

مانوئل کاستلز[1] هویت را روند ساخته شدن معنا بر پایه یک ویژگی یا یک دسته ویژگی‌های فرهنگی که بر دیگر منابع معنا برتری دارند تعریف می‌کند. (کاستلز، ۲۲:۱۳۸۰)

جان کروگر[2](۱۹۹۶) در تعریف هویت می‌نویسد: هویت یعنی توازن برقرار کردن میان خود و دیگران، و در جای دیگری آن را همچون یک مرحله در چرخه زندگی می پندارد.

بورک[3](۱۹۹۱) معتقد است که فرایند هویت یک نظام کنترل ادراک است و هویت، مجموع معانی به کار گرفته برای خود در یک نقش یا موقعیت اجتماعی را شامل می‌شود که فرد را به طور خاص تعریف می‌کند.

1. Manuel Castells
2. Jane Kroger
3. Burke

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-23]

برزونسکی (۲۰۰۳) هویت را یک نظریه راجع به خویشتن می‌داند و معتقد است که افراد به سبکها و شیوه‌های مختلف به نظریه پردازی راجع به خود می پردازند.

اریکسون (۱۹۶۸) هویت یابی را پدیده ای روانی- اجتماعی میداند که در دوره نوجوانی ظهور می‌کند. از نظر وی سه عنصر درونی در احساس هویت نقش مرکزی را بازی می‌کنند: یکی، ویژگیهای بیولوژیکی، که در خلال بزرگ شدنمان تغییر پیدا می‌کنند؛ دیگری، نیازها، علائق، احساسات و حامیان ویژه روانشناختی، و دیگری، سابقه اجتماعی و فرهنگی خودمان، که فرصتها را برای بیان و بازشناسی تشکیل دهنده های هردو فراهم می‌کند. (برزونسکی، ۲۰۰۳)

رویکردها و نظریه‌های هویت یابی

در مورد هویت و چگونگی شکل گیری آن اندیشمندان بسیاری از منظرهای متفاوت سخن گفته اند. اغلب صاحبنظران برآنند که تشکیل هویت فرآیندی است که در تمام طول زندگی ادامه دارد، اما به سبب زایندگی، خلاقیت و نیاز به استقلال در دوره نوجوانی تکوین هویت در این دوره از اهمیت ویژه ای برخوردار است

رویکردهای گوهرگرا: در این رویکرد هویت بر ساخته ای در سطح تعاملی یا فرآیندی تبادلی است. در اینجا انسان یک فاعل شناسای آزاد نیست بلکه یک فرد از یک جمع است جمعی که جهان را به یگانه خودی و بیگانه تقسیم می کند. «مک گرین[1]معتقد است انسان غربی برای تعریف هویت خود، همواره به تفاوتهایی که با دیگران دارد رجوع کرده و آن را تفسیر نموده است. سیکوس[2]معتقد است زنجیره ای از تضادهای سلسله مراتبی اندیشه غربی را ساخت بندی کرده و عمل سیاسی اش را اداره می‌کند. به اعتقاد ایریگاری[3]خردگرایی غربی به وسیله اصل هویت مشخص شده که در آن ابهام و دو گانگی به حداقل کاهش یافته است. دلوز[4]نیز تلاش می‌کند این رویکرد را تحت عنوان «فلسفه رسمی دستگاه دولت» در غرب مورد تحلیل قرار دهد.» (تاجیک: ۱۳۸۴، ۲۳-۲۵)

رویکردهای سازه گرا: «سازه گرایی اجتماعی» از جمله رویکردهایی است که در مقابل گوهرگرایان شکل گرفت. این اندیشمندان معتقدند «هویت» ساخته و پرداخته ای اجتماعی است و در ظرف زمان و مکان خاص شکل گرفته و معنا می‌یابد. بر مبنای نظر دیانا فاس[5]چند اصل مهم در سازه گرایی می‌توان مطرح ساخت: آن چه در جهان خارج مشاهده می شود طبیعی نیست بلکه بر ساخته اجتماع است. برای نمونه مفهوم «جنسیت» در تاریخ را نباید بر مبنای تمایز طبیعی بین زن و مرد توجیه کرد، زیرا این مفهوم در ساخت اجتماعی بوجود آمده است. مفاهیم محصول ترتیبات خاص اقتصادی و اجتماعی می‌باشند. نه تنها

1. Mac Green
2. Cixous
3. Irigaray
4. Deleuze
5. Diana Fuss

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-23]

دانش به طرز اجتماعی ساخته می‌شود بلکه از طریق کنش و واکنش بین افراد جامعه تداوم می یابد. بنابراین تداوم دانش بشری بیش از آن که از کارآمدی آن در برخورد با واقعیتها ناشی شده باشد، جنبه اجتماعی دارد. بین دانش و کنش اجتماعی نسبتی وجود دارد، یعنی هر سازه اجتماعی نوع خاصی از کنش‌های اجتماعی را طلب می‌کند. مارکس[1] در رویکردی همسو با سازه گرایان هویت را به مثابه یک برساخته طبقاتی مورد بحث قرار می‌دهد.

رویکرد روان شناختی: روان شناسان معتقدند شکل‌گیری و رشد هویت در دوره نوجوانی به صورت یک موضوع اساسی درآمده و در سالهای جوانی و بزرگسالی نیز تداوم می‌یابد. «پدیده نوجوانی با این پرسش اساسی همراه است که نوجوان از خود می پرسد «من کیستم؟» مدتها طول می‌کشد تا نوجوان پس از پیمودن نشیب و فرازهای مبارزه برای خود آگاهی و استقلال به نقطه عطف دیگری برسد و به خود پاسخ می‌دهد که «من خودم هستم.» دستیابی به این سطح از خودآگاهی برای شکل گیری هویت بزرگسالی فرد حائز اهمیت حیاتی است. (لطف آبادی: ۱۳۸۱، ۱۲۸)

نظریه اریک اریکسون: اریکسون (۱۹۷۷)، هویت را احساس همانندی، تداوم، یکتایی و استقلال فردی میداند که از باور وی در زمینه هدفها، ارزشها و تصویر بدنی‌اش سرچشمه می‌گیرد. اریکسون (۱۹۶۳؛ به نقل از قسامی، ۱۳۸۳) ابتدا اصطلاح هویت من را برای توصیف مسائل روانی بعضی از نظامیان بازگشته از جنگ جهانی دوم به کار برد. او مشاهده کرد که این سربازان نمی‌توانند از عهده تغییر نقش خود از سربازی به شهروند عادی بر آیند و در انطباق با وظایف و مسئولیتهای جدید خود ناتوان هستند. با توجه به نظریه‌ی روانی- اجتماعی اریکسون (۱۹۶۸، به نقل از برزونسکی، ۲۰۰۳) هویت به مثابه‌ی یک چارچوب مرجع عمل می‌کند که فرد به منظور تفسیر تجارب شخصی و گفتگو درباره معنا، هدف و جهت گیری زندگی خود از آن استفاده میکند. اریکسون مرحله نوجوانی را بعنوان فرصتی برای حل دوباره هویت از طریق ترکیبی که یکی سازی شده و تعالی بخش تمام همانندسازی های گذشته می‌باشد؛ می‌داند. این یکی سازی جهت ایجاد یک کل جدید بوده که بر اساس آن چیزهایی است که قبلا وجود داشته است (کروگر، ۱۹۹۶؛ به نقل از فرتاش، ۱۳۸۴).

نظریه جیمز مارسیا: جمیز مارسیا[2](۱۹۸۷) مفهوم نظری اریکسون در مورد هویت را از طریق گسترش پایگاه‌های هویت به عنوان وسیله ای برای مطالعه تجربی هویت توسعه داد. وی مصاحبه نیمه ساختار یافته‌ای که کاوش و تعهد هویت را برای مشخص کردن پایگاه هویت افراد ارزیابی می‌کرد؛ ترتیب داد. او هویت را با بکارگیری دو مفهوم، کاوش و تعهد شرح داد. کاوش مربوط به بحران می‌شود. آن تمایزهای شناختی و رفتاری را نشان می‌دهد. تعهد، به عبارتی دیگر، یک فرایند تصمیم گیری است. با در نظر گرفتن وجود یا فقدان هریک از این دو معیار، (کاوش و تعهد)، در دوره‌ی شکل گیری هویت فرد می‌توان پایگاه

1. Marx
2. James Marcia

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-23]

های هویت فرد را تعیین کرد. مارسیا با ترکیب فقدان یا وجود این معیارها، چهار پایگاه هویت موفق، دنباله رو، بحران زده و سردرگم را مشخص نمود (مارسیا، ۱۹۸۹؛ به نقل از رومانو، ۲۰۰۴).

پایگاه‌های هویت مارسیا بر اساس دومعیار تعهد و کاوش

شاخص	فقدان کاوش	وجود کاوش
وجود تعهد	هویت دنباله رو	هویت موفق
فقدان تعهد	هویت سردرگم	هویت بحران زده

نظریه برزونسکی: برزونسکی (۱۹۸۹-۱۹۹۰) الگویی را مطرح کرده است که به تفاوت در فرایندهای شناختی- اجتماعی جوانان در ساخت، نگهداری و انطباق هویت خودشان تاکید دارد. الگوی برزونسکی بر آن دسته از فرایندهای اجتماعی- شناختی مبتنی است که طی آن افراد براساس شیوه‌ی ترجیحی پردازش اطلاعات مربوط به خود، گفتگو درباره‌ی موضوعات مربوط به هویت و تصمیمات فردی، در وضعیت های متفاوت قرار می‌گیرند. فرایندهای متفاوت فرض شده، حداقل در سه سطح (اطلاعاتی، هنجاری و سردرگم-اجتنابی) به کار می‌رود. اکثر اجزا اساسی آنها شامل پاسخهای شناختی- رفتاری خاصی است که افراد در زندگی روزمره‌ی خود به کار می برند.

بر اساس نظریه برزونسکی (که چارچوب نظری این پژوهش نیز بر مبنای آن شکل گرفته است) انواع سبک‌های هویتی، عبارتند از سبک هویت اطلاعاتی، سبک هویت هنجاری، سبک هویت سردرگم و تعهد هویت:

سبک هویت اطلاعاتی: ازطریق برخورد با مسائل هویتی و موقعیتهای تصمیم‌گیری ازطریق جستجوی فعالانه‌ی پردازش و ارزیابی اطلاعات مربوط به خود مشخص می‌شود. این افراد در برخورد با موضوعات مربوط به هویت، سنجیده عمل کرده و تلاش ذهنی زیادی نشان می‌دهند. افراد با سبک هویت اطلاعاتی از رویکرد مساله‌مدار استفاده می‌کنند و وظیفه شناس هستند و نسبت به اطلاعات مربوط به خود اعتماد دارند و هدفمند می‌باشند. لذا تکالیف و اعمال خود را به تاخیر نمی اندازند

سبک هویت هنجاری: از طریق به تعویق انداختن و اجتناب فعالانه از تصمیم گیری، شکل دادن تعهد و مذاکره هویت مشخص می‌شود. آنها وظیفه‌شناس و هدفمند، اما بسیار ساختارمند هستند و در برابر اطلاعاتی که ممکن است با ارزش‌ها و عقاید شخصی‌شان در تعارض باشند، بسته هستند، گرایش به دفاعی بودن بیشتر و بسته بودن نسبت به پسخوراند در مورد برخی از جنبه های خود، مانند ارزشهای شخصی هستند. آنها هویت خود را در واژه‌هایی شبیه انتظار و رهنمود والدین، مذهب و دیگر گروه‌های مهم تعریف می کنند. آنها در مقابل اطلاعاتی که عقاید موجود رایج آنها را به چالش می‌کشند مقاوم هستند.

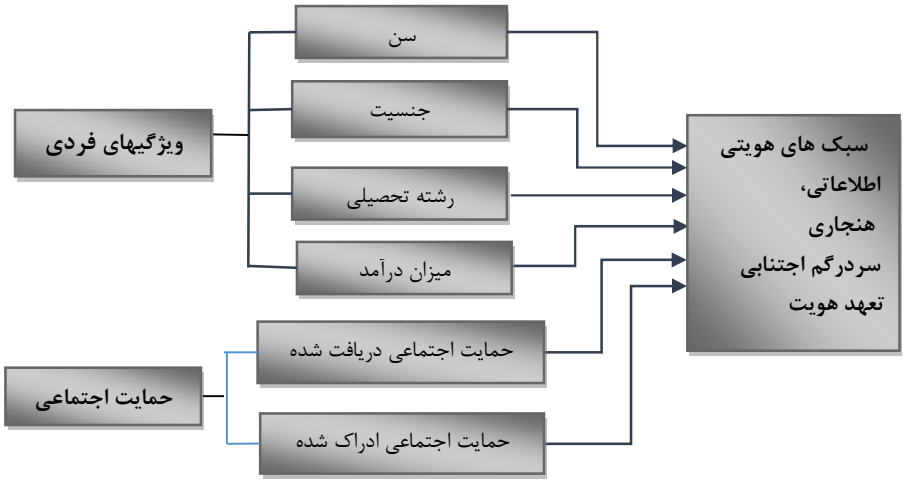
[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-23]

سبک هویت سردرگم: افراد دارای وضعیت سردرگم از سبک پردازش هویت سردرگم- اجتنابی استفاده می‌کنند. آنها سعی دارند از روبه رو شدن با مسائل و تعارضهای هویتی تا حد ممکن اجتناب کنند. وقتی که آنها مجبور به تصمیم گیری می‌شوند، بر اساس یک سبک موقعیتی- احساسی عمل می‌کنند و با پیامدهای آنی تحت تاثیر قرار می‌گیرند. تعریف خود این افراد بر اساس محبوبیت، شهرت و تاثیری که روی دیگران دارند، می باشد، در مقیاس های نیاز به شناخت و گشودگی نمره‌ی کمتری به دست می‌آورند. دفاعی بودن آنها گرایش به تعمیم انفعالی به موقعیتهای تصمیم گیری و مشکلات فردی دارد، همواره تلاش می کنند که از مواجهه با مسائل فردی، تعارضات و تصمیمات اجتناب کنند. سبک هویت سردرگم- اجتنابی با راهبردهای مقابله هیجان‌مدار، انتظارات کنترل بیرونی، راهبردهای تصمیم‌گیری غیرانطباقی، تغییرپذیری مقطعی، واکنش‌های افسرده گون رابطه‌ی مثبت و با وظیفه شناسی رابطه‌ی منفی نشان می‌دهد.

تعهد هویت: یک چارچوبی ارجاعی از ارزشها و باورهاست که ممکن است خود ساخته یا تجویز شده از جانب دیگران باشد (برزونسکی و سایرین، ۲۰۰۳). تعهد درجه ای از سرمایه گذاری شخصی است که فرد نسبت به شغل و اعتقادات خود ابراز می‌کند (مارسیا، ۱۹۶۶؛ به نقل از فرتاش، ۱۳۸۴). با توجه به چارچوب نظری پژوهش و همچنین با توجه به هدف تحقیق مبنی بر بررسی رابطه بین حمایت اجتماعی با سبک های هویتی، می‌توان مدل مفهومی این پژوهش را به صورت شکل زیرنشان داد:

مدل مفهومی پژوهش

با توجه به چهارچوب نظری و هدف اصلی پژوهش مبنی بر شناسایی رابطه بین حمایت اجتماعی با سبکهای هویتی برزونسکی، مدل زیر می‌تواند رابطه بین دو متغیر را به خوبی نشان دهد



شکل شماره ۲-۱: مدل مفهومی پژوهش

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-23]

روش پژوهش

تحقیق حاضر در دسته پژوهش های توصیفی و همبستگی و کاربردی می باشد که به روش پیمایشی انجام شده است. جامعه آماری تحقیق حاضر شامل کلیه فرزندان خانواده شهدا، جانبازان ۵۰ درصد به بالا و آزاداگان شهر نیشابور که تعداد کل آنها ۳۹۳۸ نفر می‌باشد. برای تعیین حجم نمونه لازم از جدول برآورد حجم نمونه جرسی مورگان استفاده گردید. براساس فرمول مورگان، تعداد حجم نمونه در بین جامعه آماری ۳۵۰ نفر بدست آمد.

در این پژوهش برای تحقق اهداف و بررسی رابطه بین متغیرها از دو پرسشنامه محقق یافته استفاده شده است که پرسشنامه (الف) سبکهای هویتی و پرسشنامه (ب) حمایت اجتماعی را می‌سنجد.

پرسشنامه سبکهای هویتی توسط برزونسکی (۱۹۸۹) ساخته شد، و توسط وایت و همکاران (۱۹۹۸) مورد تجدید نظر قرار گرفت. این پرسشنامه ۴۰ آیتم دارد که برای سنجش سه سبک هویت، اطلاعاتی، هنجاری و سردرگم اجتنابی(۳۰ آیتم) و تعهد هویت به صورت جداگانه (۱۰ آیتم) طراحی شده و براساس مقیاس ۵ نقطه ای لیکرت بوده که پیوستار پاسخها بر پایه طیفی از کاملا مخالف، مخالف، مطمئن نیستم، موافق و کاملا موافق رتبه بندی شده و به ترتیب نمره های یک، دو، سه، چهار و پنج به هر گزینه اختصاص یافته است. تحلیل عاملی ۳۰ آیتم با استفاده از چرخش واریماکس، منجر به استخراج سه سبک هویت، مشابه نسخه اصلی آن گردید (وایت و همکاران، ۱۹۹۸).

یافته‌های پژوهش

نتایج بررسی ویژگیهای جمعیتی پاسخگویان نشان داد : میانگین سن پاسخگویان ۳۱. ۷ سال و دارای انحراف استاندارد ۵. ۹ و واریانس ۳۵. ۲۲ می‌باشد. جوانترین پاسخگو ۱۹ سال و مسن ترین پاسخگو ۵۰ سال سن دارد؛ ۵۱. ۸ درصد پاسخگویان جنسیت آنها مرد بوده و ۴۸. ۲ درصد از پاسخگویان جنسیتشان زن بوده است؛ سطح تحصیلات بیش از نیمی ازپاسخگویان (۵۲. ۹ درصد) لیسانس می‌باشد و بعد از آن بیشترین فراوانی مربوط به سطح تحصیلی فوق دیپلم با ۱۹. ۷ درصد می‌باشد، دو سطح تحصیلی دیپلم و فوق لیسانس به ترتیب با فراوانی نسبی ۹. ۱ درصد و ۸ درصد در جایگاه های بعدی بوده و کمترین فراوانی مربوط به سطح دکتری با ۱. ۷درصد می‌باشد. ازنظر وضعیت تاهل نتایج نشان داد: ۵/۴ درصد پاسخگویان مجرد و ۹۱/۱ درصد پاسخگویان متاهل می باشند و۳/۴ درصد از پاسخگویان به این سوال پاسخ ندادند.

یافته‌های توصیفی سطح تحصیلات والدین پاسخگویان حاکی از این بود که پدران حدود نیمی از پاسخگویان (۴۸ ٪) دارای سطح تحصیلات ابتدایی می باشد و بعد از آن بیشترین فراوانی مربوط به سطح تحصیلی راهنمایی و دیپلم به ترتیب با ۱۴. ۶ و ۱۳. ۷ درصد می باشد، دو سطح تحصیلی بی سواد و فوق دیپلم نیز به ترتیب با فراوانی نسبی ۸. ۳ درصد و ۲. ۹ درصد کمترین فراوانی را به خود اختصاص داده اند و ۱۲. ۶ درصد از پاسخگویان به این سوال پاسخ نداده اند. مادران بیشتر پاسخگویان (۴۴. ۳ ٪) دارای سطح

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-23]

تحصیلات ابتدایی می باشد و ۲۵. ۷ درصد مادران بیسواد می‌باشند، بعدازآن بیشترین فراوانی مربوط به سطح تحصیلی راهنمایی (۱۲. ۳٪) و دیپلم و فوق دیپلم (۱۰٪) می باشد، ۷. ۷ درصد از پاسخگویان نیز به این سوال پاسخ نداده اند.

وضعیت شغلی پاسخگویان از این قرار بود: ۷۷. ۴ درصد پاسخگویان شاغل، ۴. ۳ درصد بیکار، ۶. ۹ درصد محصل و ۵. ۴ درصد سایر موارد می باشند و ۶ درصد از پاسخگویان به این سوال پاسخ نداده اند. شغل ۳۸ درصد پاسخگویان کارمندی، ۱۹. ۱ درصد از پاسخگویان فرهنگی، ۸ درصد پاسخگویان دارای شغل پزشکی و ۴. ۹ درصد دارای شغل‌های آزاد می باشند. ۴. ۶ درصد از پاسخگویان خانه دار و ۱. ۷ درصد دارای شغلهای کارگری می باشند و درنهایت ۲۳. ۷ درصد شغل خود را اظهار نکرده اند.

یافته های وضعیت درآمد پاسخگویان نشان داد ۱۱. ۴ درصد از پاسخگویان دارای درآمد زیر ۵۰۰ هزار تومان، ۱۶. ۲۹ درصد دارای درآمد بین ۵۰۰ تا ۷۵۰ هزار تومان، ۱۲. ۸۶ درصد دارای درآمد بین ۷۵۰ تا ۹۹۹ هزار تومان، ۲۰. ۲۹ درصد دارای درآمد بین ۱ تا ۱. ۵ میلیون تومان و ۱۲. ۸۶ درصد پاسخگویان دارای درآمد بالای ۱. ۵ میلیون تومان می باشند. در نهایت ۲۶. ۵۷ درصد پاسخگویان درآمد خود را ذکر نکرده اند.

یافته‌های توصیفی متغیرهای مستقل و وابسته نشان دادند که ازمیان سبکهای هویتی، سبک هویتی هنجاری با میانگین ۳/۱۸ و انحراف معیار ۱/۰۷۹ قویتر از سایر سبک های هویتی بوده و سبک های هویتی سردرگم – اجتنابی و تعهد هویت با میانگین ۳/۱۲ و انحراف معیار ۱/۲۹۱ و ۱/۰۱۰ در مرتبه بعدی قرار گرفته است؛ سبک هویتی اطلاعاتی پاسخگویان با میانگین ۲/۷۵ و انحراف معیار۱/۰۰۱ ضعیف‌ترین سبک هویتی درنظر پاسخگویان بوده است. همچنین آماره‌های توصیفی متغیر مستقل حاکی از حمایت اجتماعی درحد متوسط از پاسخگویان می‌باشد (میانگین حمایت اجتماعی ۲/۷۳ از ۵ یا به عبارت دیگر ۵۴/۶ درصد می باشد)؛ که به طور دقیق تر می‌توان گفت که حمایت اجتماعی ادراک شده توسط پاسخگویان بیشتر از حمایتهای دریافت شده آنها می‌باشد.

به عبارت دیگر یافته‌های توصیفی سبکهای هویتی به این صورت است که ۱۰. ۶ درصد پاسخگویان از سبک هویت اطلاعاتی خیلی زیاد استفاده می‌کنند، ۲۲. ۶ درصد زیاد از این سبک استفاده می‌کنند، ۴۳. ۱ درصد در حد متوسط، ۹. ۴ درصد کم و ۵. ۷ درصد خیلی کم از این سبک هویتی استفاده می‌کنند. میزان استفاده پاسخگویان از سبک هویت هنجاری به این صورت می‌باشد که ۴. ۹ درصد خیلی زیاد، ۱۹. ۷ درصد زیاد، ۳۲. ۹ درصد درحد متوسط، ۲۱. ۷ درصد کم و ۱۲ درصد خیلی کم از این سبک هویتی استفاده می‌کنند. میزان استفاده پاسخگویان از سبک هویت سردرگم – اجتنابی به هنگام مواجه شدن با مشکلات به این صورت می‌باشد: ۱۴ درصد پاسخگویان خیلی زیاد از این سبک هویتی استفاده می‌کنند، ۱۶. ۶ درصد به میزان زیاد و ۲۲. ۹ درصد در حد متوسط از این سبک هویتی استفاده می‌کنند، ۲۶ درصد به میزان کم و ۱۴. ۹ درصد به میزان خیلی کم از این سبک هویتی استفاده می‌کند. میزان تعهد هویت

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-23]

پاسخگویان به این صورت می باشد: ۴. ۹ درصد از تعهد هویتی خیلی زیاد و ۱۹. ۱ درصد از تعهد زیاد برخوردارند، ۳۸ درصد از تعهد متوسط، ۲۲. ۶ درصد از تعهد هویتی کم و ۸. ۹ درصد از تعهد هویتی خیلی کم برخوردارند.

درحالی که ۵۷. ۲ درصد از پاسخگویان از حمایت ادراک شده خیلی زیاد و زیاد برخوردارند، تنها ۳۳. ۵ درصد از آنها از حمایت دریافت شده خیلی زیاد و زیاد برخوردارند، همچنین از طرف دیگر می توان گفت در حالی که تنها ۱۴ درصد پاسخگویان از حمایت ادراک شده کم و خیلی کم برخوردار هستند بیش از ۳۴ درصد پاسخگویان از حمایت اجتماعی دریافت شده کم و خیلی کم برخوردارند. میزان حمایت اجتماعی ادراک شده و دریافت شده در حد متوسط به ترتیب ۲۶. ۹ و ۲۷. ۷ درصد می‌باشد بنابراین میتوان این گونه توضیح داد که پاسخگویان نسبت به حمایت اجتماعی ادراک شده بالایی که دریافت می کنند حمایت اجتماعی دریافت شده‌ی به نسبت پائین تری دریافت می کنند.

نتایج بدست آمده از تحلیل های استنباطی (آزمون فرضیات)

نتایج بدست آمده از بررسی و آزمون فرضیه اصلی تحقیق مبنی بر وجود رابطه بین حمایت اجتماعی و ابعاد آن (ادراک شده و دریافت شده) با سبک‌های هویتی پاسخگویان نتایج نشان داد که بین دو متغیر رابطه معنادار وجود دارد. مقدار ضریب همبستگی بین دو متغیر مورد مطالعه برابر ۰/۶۳۱ بوده و مقدار احتمال مربوط به سطح معنی داری آن برابر ۰/۰۰۰ می باشد که از ۰/۰۵ کمتر است. بنابراین می توان گفت وجود رابطه مستقیم و معنی دار بین دو متغیر پذیرفته می‌شود.

برای بررسی دقیق‌تر رابطه بین حمایت اجتماعی و سبک‌های هویتی، رابطه ابعاد حمایت اجتماعی و سبک‌های هویتی در یک مدل رگرسیون خطی چند متغیره شامل یک متغیر وابسته (سبکهای هویتی) و دو متغیر مستقل (ابعاد حمایت اجتماعی) مورد بررسی قرار گرفت تا مشخص شود کدام یک از ابعاد حمایت اجتماعی تاثیر بیشتری بر استفاده از سبک‌های هویتی دارد. نتایج این بررسی نشان داد رابطه بین حمایت اجتماعی ادراک شده با سبک‌های هویتی معنادار نمی‌باشد (سطح معناداری ۰/۶۵۸) و تنها بین حمایت اجتماعی دریافت شده با سبک‌های هویتی رابطه معنادار وجود دارد (سطح معناداری ۰/۰۰) و از آنجا که ضریب رگرسیون مثبت می‌باشد، لذا رابطه بین دو متغیر مستقیم بوده و با افزایش حمایت اجتماعی دریافت شده میزان استفاده از سبک‌های هویتی افزایش می‌یابد.

مطالعات خیلی کمی به بررسی مستقیم رابطه بین حمایت اجتماعی و سبکهای هویتی پرداخته اند. اما از میان مطالعات انجام شده در رابطه با ارتباط متغیرهای مختلف با سبک‌های هویتی مطالعات اشاره شده در ذیل تا حدودی با نتایج این پژوهش همخوانی دارند.

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-23]

ادوارد کیسک[1](۲۰۰۴) در مطالعه خود نشان داد که ادراک مقادیر بیشتری از حمایت اجتماعی از طرف دوستان و خانواده و آینده نگری قابل پیش بینی، ساختارمند، قابل کنترل، و خوش بینانه با تعهدات محکم در حوزه های هویت رابطه‌ای قوی دارد. به طورکلی، یافته‌های مطالعه وی نشان داد که نگرش نسبت به آینده و حمایت اجتماعی ادراک شده، برای مطالعه هویت‌یابی از اهمیت بالایی برخوردار می‌باشد.

هارت آپ (۱۹۸۹) دریافت که ویژگی های رفتاری خانواده مانند حمایت، همکاری و خوش رفتاری، پیش بینی کننده های خوبی برای رشد هویت نوجوانان هستند. همچنین رابطه قوی بین رشد هویت مناسب و جو خانوادگی مناسب وجود دارد. همچنین در مطالعه پاترسون و گریزلر (۱۹۹۹؛ به نقل از برجعلی، ۱۳۷۸) معلوم شد عواملی مانند رابطه صمیمانه پدر و مادر با یکدیگر و یا با فرزند و کفایت عملی پدر تاثیر زیادی بر هویت فرزندان خانواده دارد.

جان برن و همکاران(۱۹۹۹)؛ به نقل از قسامی(۱۳۸۳)، نشان داد بین ابعاد حمایت اجتماعی خانواده با هویت شغلی دانشجویان پسر و دختر ارتباط معناداری وجود دارد. حمایت اجتماعی بیشتر و بالاتر در خانواده و سطح بالای ابراز وجود با سطح بالای هویت شغلی ارتباط دارد.

باشان و شیرالی(۱۹۹۳) ثابت کردند که روابط گرم و گشوده و صمیمی بین والد- نوجوان باعث کسب هویت موفق می‌شود و در محیط‌ها خانوادگی که فشار و استرس در روابط فاصله دار وجود دارد کسب هویت با مشکل مواجه می‌شود.

نتایج تحقیق کوپر و گراته وانت (۱۹۸۶، به نقل از برجعلی ۱۳۷۸) نشان داد نوجوانانی که در سطح بالاتری از کشف هویت درجه بندی شده بودند، از خانواد هایی بودن که در یک محیط حمایت کننده فرصتهای بیشتری را برای بیان و گسترش نظرات خود داشتند

برزونسکی، نارمی و کیتی[2](۱۹۹۹) دریافتند که افرادی که از روابط اجتماعی خوبی در جامعه برخوردارند و مورد حمایت خانوده قرار می‌گیرند، بیشتر از سبک هنجاری استفاده می‌کنند. همچنین تحقیق آنان نشان داد که، روابط خانوادگی و اجتماعی رشد یافته بیشتر در مورد افراد موفق صدق می‌کند و این افراد از سبک‌های هنجاری و اطلاعاتی بیشتر استفاده می‌کنند و افرادی که موقعیت‌های ضعیف خانوادگی و اجتماعی دارند و سابقه خوبی در جامعه ندارند بیشتر از سبک سردرگم استفاده می‌کنند و روی هم رفته از هوشی خوب برخوردار نیستند. و به طور کلی دختران و پسران نوجوان این خانواده، در سبک‌های هویت و انسجام خانواده تفاوت ندارند.

با توجه به فرضیه فرعی اول تحقیق که در آن به بررسی رابطه بین میزان حمایت اجتماعی وابعاد آن (ادراک شده و دریافت شده) با سبک هویت اطلاعاتی پرداختیم، نتایج آزمون رگرسیون برای بررسی رابطه بین دو متغیر گویای رابطه ضعیف بین دو متغیر می‌باشد، سطح معناداری بدست آمده ۰/۰۰۰ می‌باشد

1. Edward Cisek
2. Berozenski , Narmi & Keyti

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-23]

و نشان می‌دهد رابطه دو متغیر معنادار می باشد. با توجه به اینکه **R** عدد ۰/۲۴۹ را نشان می‌دهد رابطه بین متغیرها ضعیف می‌باشد و با توجه به مقدار **R2** می توان گفت تنها ۰/۰۶۲ درصد از تغییرات متغیر وابسته توسط متغیر مستقل قابل تبیین است.

همچنین نتایج آزمون این فرضیه نشان داد رابطه بین حمایت اجتماعی ادراک شده با سبک هویت اطلاعاتی معنادار می‌باشد (سطح معناداری ۰/۰۰۳) و بین حمایت اجتماعی دریافت شده با سبک هویت اطلاعاتی رابطه معنادار وجود دارد (سطح معناداری ۰/۰۰۱) و از آنجا که ضریب رگرسیون مثبت می‌باشد، لذا رابطه بین دو متغیر مستقیم بوده و با افزایش حمایت اجتماعی ادراک شده و دریافت شده میزان استفاده از سبک هویتی اطلاعاتی نیز افزایش می‌یابد.

بروور[1] و همکاران (۲۰۰۸) نشان دادند که سبک هویت اطلاعاتی (که موفق ترین سبک هویتی است) با بُعد حمایتیِ فرزند پروری، رابطه مثبت معناداری دارد. سوینسون و دیگران (۲۰۰۲، به نقل از قسامی، ۱۳۸۳) نشان دادند افراد با سبک هویت اطلاعاتی در مواجهه با بحرانهای شخصی از راهبردهای مقابله ای مساله مدار استفاده می کنند.

با توجه به فرضیه فرعی دوم تحقیق که در آن به بررسی رابطه بین میزان حمایت اجتماعی وابعاد آن (ادراک شده و دریافت شده) با سبک هویت هنجاری پرداختیم، نتایج بدست آمده از آزمون رگرسیون دو متغیره جهت بررسی رابطه بین ابعاد حمایت اجتماعی و سبک هویت هنجاری نشان داد، متغیر مستقل (حمایت اجتماعی ادراک شده و دریافت شده) تاثیرچندانی بر روی سبک هویت هنجاری ندارد. همچنین با توجه به مقدار R^2 می‌توان گفت تنها ۰/۰۳۸ درصد از تغییرات متغیر وابسته توسط متغیر مستقل قابل تبیین است. نتایج جزئی این بررسی نشان داد که رابطه بین ابعاد حمایت اجتماعی(ادراک شده و دریافت شده) با سبک هویت هنجاری معنادار نمی باشد. سطح معناداری رابطه بین حمایت اجتماعی ادراک شده و حمایت اجتماعی دریافت شده با سبک هویت هنجاری به ترتیب برابر با ۰/۳۱۰ و ۰/۲۵۲ بوده که نشان می‌دهد رابطه معنادار نمی باشد. در این رابطه بروور و همکاران (۲۰۰۸) نشان دادند سبک هویت هنجاری، همبستگی مثبتی با بُعد حمایتی و کنترل رفتاریِ فرزندپروری دارد.

با توجه به فرضیه فرعی سوم تحقیق که در آن به بررسی رابطه بین میزان حمایت اجتماعی و ابعاد آن (ادراک شده و دریافت شده) با سبک هویت سردرگم - اجتنابی پرداختیم نتایج نشان داد که رابطه بین دو متغیر رابطه منفی و معنادار می باشد، نتایج تحلیل واریانس رابطه حمایت اجتماعی با سبک هویت سردرگم – اجتنابی نشان دهنده رابطه نسبتا قوی بین دو متغیر می باشد. مقادیر **R** در مدل رگرسیونی که نشان دهده شدت رابطه می‌باشد برابر ۰/۵۸۰ بوده که بیانگر رابطه نسبتا قوی بین دو متغیر می باشد. و مقدار R^2 که نشان می دهد چه مقدار از تغییرات متغیر وابسته را می توان با متغیر مستقل تبیین کرد، ۰/۲۶ بدست آمده، از این رو میتوان گفت که ابعاد حمایت اجتماعی ۲۶ درصد از تغییرات سبک هویت سردرگم – اجتنابی را

1. Bruwer

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-23]

تبیین می‌کند، به عبارت دیگر افرادی که از حمایت اجتماعی برخوردار باشند ۲۶ درصد کمتر از سبک هویت سردرگم- اجتنابی برای حل مشکلات استفاده می‌کنند.

رابطه بین ابعاد حمایت اجتماعی (ادراک شده و دریافت شده) با سبک هویت سردرگم –اجتنابی معنادار بوده (سطح معناداری ۰/۰۰۲ و ۰/۰۱ که از ۰/۰۵ کوچکتر می باشد) و از آنجا که ضریب رگرسیون منفی می باشد، لذا رابطه بین دو متغیر معکوس می باشد بدین معنا که با افزایش حمایت اجتماعی ادراک شده و حمایت اجتماعی دریافت شده میزان استفاده از سبک هویتی سردرگم اجتنابی کاهش می یابد.

معمولا در این سبک هویتی، نه تنها فرد اهداف و برنامه‌های روشنی برای زندگی خود ندارد، بلکه اساسا به دنبال آن هم نیست. این افراد از روبرو شدن با مسائل شخصی، طفره می‌روند، در تصمیم گیری‌های خود احساسی عمل می‌کنند، قادر نیستند به پیامدهای رفتار و کارهای خود فکر نمایند. و معمولا سعی در اجتناب و گریز از تصمیم گیری دارند. به همین دلیل، برخورد آنها با مشکلات زندگی بسیار ناپخته و ضعیف است. این افراد هنگامی که با مشکلی روبرو شوند سعی می‌کنند از آن فرار کنند. به همین دلیل، بهانه تراشی یکی از روش‌هایی است که توسط این افراد به شدت استفاده می‌شود. افرادی که سبک هویت سردرگم/اجتنابی دارند، افرادی وابسته هستند که نمی‌توانند بسیاری فعالیت‌ها را بطور مستقلانه انجام دهند. به همین دلیل، هنگام ورود به دانشگاه، با مشکلات متعدد ارتباطی و اجتماعی روبرو می‌شوند که نهایتا با مشکلات تحصیلی متعدد همراه می‌گردد.

نتایج مطالعات آدامز و سایرین(به نقل از نصرتی و دیگران، ۱۳۸۵) نشان داد که نوجوانان سردرگم بیشتر از خانواده های طردکننده هستند و نوجوانان با هویت موفق بیشتر از خانواده های گرم و حمایت کننده هستند؛ یعنی خانواده هایی که آنها را به استقلال تشویق می کنند. فرنل[1](۲۰۰۰)؛ به نقل از قسامی(۱۳۸۳) نشان داد نوجوانانی که دارای هویت سردرگم –اجتنابی هستند به صورت معنی داری حمایت اجتماعی خانواده شان کمتر از نوجوانان عادی است.

با توجه به فرضیه فرعی چهارم تحقیق که در آن به بررسی رابطه بین میزان حمایت اجتماعی وابعاد آن (ادراک شده و دریافت شده) با تعهد هویت پرداختیم، نتایج بدست آمده از تحلیل واریانس رابطه بین ابعاد حمایت اجتماعی و تعهد هویت گویای یک رابطه نسبتا قوی بین دو متغیر می باشد (**R= 0/468**) که حدود ۲۲ درصد از تغییرات متغیر وابسته با متغیر مستقل قابل پیش بینی می باشد. (**R^2 = 0/219**). همچنین نتایج جزئی بررسی رابطه بین حمایت اجتماعی ادراک شده و حمایت اجتماعی دریافت شده با تعهد هویت حاکی از رابطه مستقیم و معنادار بین دو متغیر می باشد (سطح معناداری ۰/۰۰۰). از آنجا که ضریب رگرسیون رابطه بین حمایت اجتماعی ادراک شده وحمایت اجتماعی دریافت شده با تعهد هویت

1. Fernel

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-23]

مثبت می باشد، لذا می توان گفت رابطه بین دو متغیر مستقیم بوده و با افزایش حمایت اجتماعی ادراک شده و دریافت شده میزان استفاده از سبک تعهد هویت نیز افزایش می‌یابد.

با توجه به فرضیه فرعی پنجم تحقیق که در آن به بررسی رابطه بین جنسیت و حمایت اجتماعی پرداختیم نتایج نشان داد. میزان حمایت اجتماعی ادراک شده پاسخگویان زن از پاسخگویان مرد مقداری بیشتر است. نتایج آزمون **T** حاکی از وجود رابطه معنادار با خطای ۴ درصد بین جنسیت و حمایت اجتماعی می‌باشد.

ادوارد کیسک (۲۰۰۴) در مطالعه خود نشان داد نسبت به مردان، زنان میزان حمایت اجتماعی بیشتری از دوستان و خانواده دریافت می کنند و سطح بالاتری از تعهد هویتی را دارند. همچنین ریاحی، علی وردی نیا و پورحسین (۱۳۸۹) در بررسی رابطهٔ بین حمایت اجتماعی و سلامت روان در یافتند که میزان حمایت اجتماعی ادراک شده دانشجویان دختر از دانشجویان پسر بیشتر بوده است. به عبارت واضح تر، ارقام میانگین حمایت اجتماعی گزارش شده توسط دانشجویان دختر از حمایت اجتماعی برابر با ۵۰. ۶ و میانگین حمایت اجتماعی گزارش شده توسط دانشجویان پسر ۴۷. ۹ بوده است.

با توجه به فرضیه فرعی ششم تحقیق مبنی بر اینکه بین پاسخگویان مرد و زن برحسب سبکهای هویتی تفاوت وجود دارد. با مقایسه میانگینهای بدست آمده از میزان استفاده از سبک‌های هویتی برای دو جنس میتوان گفت پاسخگویان زن بیشتر از پاسخگویان مرد از سبکهای هویتی اطلاعاتی، هنجاری و تعهد هویت استفاده می‌کنند، و در مقابل پاسخگویان مرد بیشتر از پاسخگویان زن از سبک هویت سردرگم استفاده می‌کنند. با توجه به نتایج بدست آمده از آزمون **T** (مقایسه میانگین‌ها) اختلاف میانگین زنان و مردان در میزان استفاده از سبک هویت اطلاعاتی ۰. ۳۵۰، سبک هویت هنجاری ۰. ۴۲۴ و سبک هویت سردرگم ۰. ۴۴۷ بوده که این اختلاف معنادار می‌باشد. همچنین اختلاف میانگین برای تعهد هویت ۰. ۰۷۲ بدست آمده است که اختلاف بسیار کمی بوده که با توجه به سطح معناداری بدست آمده (۰/۵۲۶)، معنادار نیز نمی‌باشد.

در تایید یافته‌های مرتبط با این فرضیه یافته‌های غضنفری(۱۳۸۲) نیز نشان داد که تفاوت بین دختران و پسران در میزان بکار بردن سبک اطلاعاتی، هنجاری و تعهد هویت معنادار بوده و دختران بیشتر از این سبکهای هویتی استفاده می‌کنند؛ ولی سبک سردرگم-اجتنابی در دختر و پسر فرقی ندارد. آقاجانی و همکارانش(۱۳۸۹) در تحقیق خود نشان دادند که میانگین دختران در سبک هویت اطلاعاتی در مقایسه با پسران، بالاتر و میانگین پسرها در سبک هویت سردرگم و اجتنابی در مقایسه با دختران، بیشتر بوده است. همچنین تحقیق برزونسکی و کوک (۲۰۰۰، به نقل از غضنفری، ۱۳۸۲) نشان داد که جنسیت نقش معناداری در پیش بینی نمرات سبک سردرگم-اجتنابی دارد. دانشجویان پسر سبک سردرگم-اجتنابی بیشتری نسبت به دانشجویان دختر نشان دادند. همچنین روابط اجتماعی رشد یافته با نمرات بالا در سبک هویت اطلاعاتی و نمرات پایین تر در سبک سردرگم- اجتنابی ارتباط دارد. در پژوهش فرتاش(۱۳۸۴)

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-23]

تفاوت معناداری بین دختران و پسران در سبک سردرگم-اجتنابی و سبک هنجاری نبود؛ ولی در سبک اطلاعاتی تفاوت معنادار بوده و دختران بیشتر از پسران از این سبک هویتی استفاده می‌کنند. در مقابل برزونسکی و کاک (۲۰۰۰) در بخشی از تحلیل خود، نشان دادند که دانشجویان پسر در سبک سردرگم / اجتنابی بیشتری از خود نشان می دهند.

اما بر خلاف نتایج این پژوهش، الیسون و شوارتز (۲۰۰۱) با مطالعه بر روی ۳۶۵ نوجوان به این نتیجه رسیدند که میان دختران وپسران تفاوت معناداری از نظر سبکهای هویت وجود دارد، به طوری که دختران بیشتر از پسران دارای هویت سر درگم و گسیخته هستند، از نظر سبک هویت اطلاعاتی تفاوت معناداری در سازگاری با مشکلات یافت نشد. همچنین گرجی زاده (۱۳۸۶) در مطالعه خود به این نتایج دست یافت، که بین سبک هویتی اطلاعاتی دانش آموزان پسر و دختر تفاوت معناداری وجود دارد، به این صورت که دانش آموزان پسر بیشتر از سبک هویتی اطلاعاتی استفاده می‌کنند. اما بین سبک هویت هنجاری و سردرگم/ اجتنابی دانش آموزان پسر و دختر تفاوت معنی داری وجود ندارد.

با توجه به فرضیه فرعی هفتم تحقیق که در آن به بررسی رابطه بین سن و سبکهای هویتی پرداختیم نتایج نشان داد متغیر سن با سبک هویت اطلاعاتی، سبک هویت هنجاری و تعهد هویت رابطه معنادار دارد ولی رابطه سن با سبک هویت سردرگم – اجتنابی معنادار بدست نیامد.

مقدار ضریب همبستگی رابطه بین سبک‌های هویتی و سن به ترتیب برابر با ۰/۱۳۶- برای سبک هویت اطلاعاتی، ۰/۱۴۱ برای سبک هویت هنجاری، ۰/۰۰۶ برای سبک هویت سردرگم – اجتنابی و ۰/۲۱۲ برای سبک تعهد هویت بدست آمده است که نشان می‌دهد بین سن و سبکهای هویتی رابطه ضعیفی وجود دارد و مقدار سطح معناداری برای این رابطه‌ها به ترتیب، ۰/۰۱۵ برای سبک هویت اطلاعاتی، ۰/۰۱۲ برای سبک هویت هنجاری، ۰/۹۱۴ برای سبک هویت سردرگم و ۰/۰۰۰ برای تعهد هویت دیده می‌شود که نشان می‌دهد رابطه بین سبکهای هویتی بجز سبک هویتی سردرگم – اجتنابی با متغیر سن معنادار می‌باشد.

حسینی طباطبایی (۱۳۷۷) ارتباط بین وضعیت های هویت و شیوه مقابله با بحران را در نوجوانان و جوانان دختر و پسر شهر مشهد، بررسی نمود. یافته ها نشان داد که، با افزایش سن، فراوانی هویت موفق نیز افزایش می یابد و افراد در دوره نوجوانی بیشتر در وضعیت هویت اکتساب شده قرار دارند.

با توجه به فرضیه فرعی هشتم تحقیق که در آن به بررسی رابطه بین سطح تحصیلات پاسخگویان و انتخاب سبک هویتی پرداختیم نتایج نشان داد بین سبکهای هویت اطلاعاتی، هویت هنجاری و تعهد هویت با سطح تحصیلات رابطه معنادار وجود دارد اما رابطه سبک هویت سردرگم با سطح تحصیلات معنادار نمی‌باشد. مقدار ضریب همبستگی اسپیرمن بین دو متغیر سبک هویت اطلاعاتی و سطح تحصیلات برابر ۰/۱۴۹ - بوده و مقدار احتمال مربوط به سطح معنی داری آن برابر ۰/۰۰۸ می‌باشد که از ۰/۰۵ کمتر است. بنابراین رابطه معنی دار بین دو متغیر وجود دارد. که نشان می‌دهد پاسخگویانی که دارای سطح تحصیلات بالاتری هستند از سبک هویت اطلاعاتی به میزان کمتری استفاده می‌کنند. ضریب همبستگی اسپیرمن برای رابطه

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-23]

سبک هویت هنجاری با سطح تحصیلات ۰/۱۸۱ و سطح معناداری ۰/۰۰۱ بدست آمده است که نشان دهنده رابطه مستقیم و معنادار بین دو متغیر می‌باشد، بدین معنا که هرچه سطح تحصیلات افراد بالاتر باشد از سبک هویت هنجاری بیشتر استفاده می‌کنند. رابطه بین سبک هویت سر درگم و سطح تحصیلات معنادار نبوده و رابطه تعهد هویت و سطح تحصیلات یک رابطه معکوس و معنادار می‌باشد (ضریب همبستگی برابر است با ۰/۱۲۳ – و سطح معناداری برابر است با ۰/۰۲۹).

برزونسکی (۱۹۹۸) در تحقیقات خود مربوط به بررسی رابطه سبک هویت هنجاری با پیشرفت تحصیلی نشان داد که، دانشجویانی که دارای سبک هویت هنجاری هستند، اهداف روشن تحصیلی را نشان می‌دهند. نتایج نشان می دهد که احساس هدفمند تحصیلی با سبک هویت هنجاری نیز مرتبط بوده است. همچنین او دریافته است، دانشجویانی که دارای سبک هویت سردرگم / اجتنابی هستند اهداف تحصیلی پایداری نداشته، منتظر تجربه شکست هستند اما افرادی که سبک هویت اطلاعاتی را بکار می برند اهداف تحصیلی روشنی در جهت رسیدن به اهداف خود و احساس جهت داری را نشان می دهند و برای تحقق اهداف آینده خود طرحهایی دارند.

بحث و نتیجه گیری

مطالعات مختلف نشان دادند حمایت اجتماعی ادراک شده بر وضعیت جسمی، روانی، رضایت از زندگی و جنبه های مختلف کیفیت زندگی افراد اثرات زیادی دارد و به عنوان یک عامل تعدیل کننده مؤثر در مقابله و سازگاری با شرایط استرس زای زندگی شناخته شده است. در مطالعات موجود در این زمینه، حمایت اجتماعی به دو صورت حمایت اجتماعی دریافت شده (**Revised**) و ادراک شده (**Perceived**) مورد مطالعه قرار می‌گیرد. در حمایت اجتماعی دریافت شده، میزان حمایت‌های کسب شده توسط فرد مورد تأکید است و در حمایت اجتماعی ادراک شده، ارزیابی های فرد از در دسترس بودن حمایت ها درمواقع ضروری و مورد نیاز بررسی می شود. مفهوم حمایت اجتماعی ادراک شده به حمایت از دیدگاه ارزیابی شناختی فرد از روابطش اشاره دارد. نظریه پردازان این حوزه بر این باورند که تمام روابطی که فرد با دیگران دارد حمایت اجتماعی محسوب نمی‌شود؛ مگر اینکه فرد آن ها را به عنوان یک منبع در دسترس و مناسب برای رفع نیازهایش ارزیابی کند. مقیاس‌های حمایت اجتماعی ادراک شده نیز بر ارزیابی شناختی فرد از محیطش و سطح اطمینان فرد به اینکه در صورت لزوم کمک و حمایت دردسترس خواهد بود متمرکز هستند.

در این پژوهش رابطه بین حمایت اجتماعی و ابعاد آن (ادراک شده و دریافت شده) با سبک‌های هویتی به عنوان متغیر وابسته مورد بررسی قرار گرفت و مشخص شد که حمایت اجتماعی و بویژه حمایت اجتماعی دریافت شده بر نحوه بکار بردن سبک‌های هویتی تاثیر گذار است. نتایج نشان داد که حمایت اجتماعی با سبک‌های هویت اطلاعاتی و هویت هنجاری و تعهد هوییت رابطه مستقیم دارد و در مقابل حمایت

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-23]

اجتماعی با سبک هویت سردرگم رابطه معکوس دارد بدین معنا که افرادی که از حمایت اجتماعی بالاتری برخوردار باشند کمتر از سبک هویت سردرگم استفاده می کنند.

اما بیشتر مطالعات صورت گرفته سبک های هویتی را به عنوان متغیر مستقل درنظر گرفته و تاثیر آن را بر متغیرهای مختلف از قبیل سلامت عمومی، پیشرفت تحصیلی، رضایت شغلی، نگرش به زندگی، بهزیستی روانی، سبکهای مقابله با فشار، اختلال شخصیت و. . . مورد بررسی قرار داده اند. اکثر مطالعات نشان داده اند افراد با سبک هویت اطلاعاتی در یک شیوه ثابت و در یک دوره زمانی طولانی مدت اطلاعات را قبل از تصمیم گیری بررسی می کنند. افراد با سبک هنجاری در یک شیوه انتخابی و در یک دوره زمانی کوتاه تر اطلاعات را قبل از تصمیم گیری بررسی می کنند. افرادبا سبک هویت سردرگم-اجتنابی به مقدار کمتر از افراد با سبک هویت هنجاری، اطلاعات را قبل از تصمیم گیری مورد بررسی قرار می دهند.

مطالعات زیادی نشان داده اند افرادی که بیشتر از سبک هویت سردرگم استفاده می کنند، در حل مشکلات خود ناتوان می‌باشند و از راه حل‌های نامناسب استفاده می‌کنند. سوینسون و دیگران (۲۰۰۲، به نقل از قسامی، ۱۳۸۳) نشان دادند افراد سردرگم-اجتنابی در حل بحرانهای شخصی از روشهای مبتنی بر دوری گزینی استفاده می کنند. همچنین برزونسکی(۱۹۹۸، به نقل از غضنفری، ۱۳۸۲) دریافت که خود انضباطی با سبک سردرگم اجتنابی رابطه معکوس دارد. علاوه بر این برزونسکی، ۱۹۹۸، ۱۹۹۷، ۱۹۹۲؛ برزونسکی و نورمی، ۱۹۹۷؛ به نقل از فرتاش(۱۳۸۴) در تحقیقات خود نشان دادند که استفاده از سبک هویت سردرگم-اجتنابی با شیوه مقابله ای هیجان مدار، خودمعلولیتی و راهبردهای تصمیم گیری نامناسب، خودآگاهی محدود، جهت دهی توسط دیگری، راهبردهای ضعیف اسنادی و شناختی، واکنشهای اضطراب ناتوان کننده و کنترل بیرونی مرتبط است. همچنین تحقیقات نشان دادند افراد دارای سبک سردرگم، مشکلات اجتماعی را تجربه می کنند و در برقراری و حفظ نظم حمایت اجتماعی مشکل دارند. این افراد دو خطر بالایی برای انواع مشکلات و مسایل رفتاری از قبیل عزت نفس پائین، سطح بالای افسردگی، روانی رنجوری، استفاده زود هنگام از دارو و الکل و مشکلات کاری قرار دارند (دالینگر، ۱۹۹۵، برنز، راس هارتمن، ۱۹۹۲، نورمی، برزونسکی، تامی وکیلنسی، ۱۹۹۷، وایت و جونز، ۱۹۹۶ ؛ به نقل از غضنفری، ۱۳۸۲).

برزونسکی(۱۹۹۲) در بررسی رابطه بین سبک هویت و راهبردهای مقابله ای نشان داد که افراد با سبک هویت هنجاری و سردرگم-اجتنابی از راهبردهای مقابله ای اجتنابی (تفکر آرزومند، دورنگهداشتن خود و کاهش تنش) استفاده میکنند. یافته‌های غضنفری(۱۳۸۲) نشان داد بین سبک هویت اطلاعاتی و هنجاری و میزان سلامت روانی رابطه مثبت و بین سبک سردرگم-اجتنابی و سلامت روانی رابطه منفی وجود دارد. وی همچنین نشان داد که سبک هویت اطلاعاتی و هنجاری و تعهد با افسردگی رابطه منفی و سبک سردرگم-اجتنابی و اضطراب رابطه مثبت وجود دارد. پایگاه هویت موفق و معوق با سبک اطلاعاتی رابطه دارد. پایگاه زودرس و سبک هنجاری هردو شامل شکل گیری تعهدات هویت بدون توجه به نقشهای

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-23]

اجتماعی دیگر می‌باشد. پایگاه سردرگم وم سبک سردرگم-اجتنابی هردو فاقد تعهدات مربوط به هویت و فاقد علاقه به رشد خویشتن می باشند. ادبی(۱۳۸۲) به نقل از قسامی(۱۳۸۳) در بررسی رابطه بین وضعیت هویتی و سلامت روانی در اوایل نوجوانی به این نتیجه رسید که افراد با وضعیت سردرگم و دیررس نسبت به افراد با وضعیت هویت موفق و زودرس از سلامت روانی کمتری برخوردار بودند.

همانطور که اشاره شد، نحوه استفاده از سبک های هویتی مهم بوده و نقش بسزایی در سلامت عمومی دارد از طرفی نتایج این مطالعه نشان داد که حمایت اجتماعی تاثیر مستقیم بر استفاده از سبک هویت اطلاعاتی، هنجاری و تعهد هویت دارد، سبک هایی که به گفته صاحب نظران سبکهای هویتی مناسب برای مقابله با مسائل و مشکلات می‌باشد و از طرف دیگر حمایت اجتماعی با سبک هویت سردرگم رابطه معکوس دارد که این سبک هویتی نیز بدترین سبک برای مقابله با مشکلات می باشد. بنابراین با توجه به این یافته‌ها پیشنهاد می گردد حمایت اجتماعی بیشتری از خانواده های شهید و ایثارگر به عمل آید.

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-23]

فهرست منابع و مآخذ

ـ آقاجانی، محمدحسن؛ شهرآرای، مهرناز و فرزاد، ولی الله، ، (۱۳۸۹). مقایسه سبک‌های هویت دانشجویان دانشگاههای دولتی شهر تهران بر اساس جنسیت، رشته تحصیلی و بومی و غیربومی بودن، فصلنامه دانش و پژوهش در روانشناسی، شماره۳۸، صص، ۱۳۵-۱۶۴.

ـ برجعلی، احمد (۱۳۷۸) تاثیر سازگاری و الگوهای فرزندپروری والدین بر تحول روانی - اجتماعی دانش‌آموزان دبیرستانی شهر تهران، پایان نامه دکتری روان‌شناسی، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران.

ـ تاجیک، محمدرضا(۱۳۸۴)، روایت غیریت و هویت در میان ایرانیان، تهران، فرهنگ گفتمان

ـ حسینی طباطبایی، فوزیه، (۱۳۷۷)، بررسی رابطه بین پایگاه‌های هویت و سبک های مقابله با بحران در نوجوانان شهر مشهد، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه الزهرا.

ـ حیدری، مراد (۱۳۸۸) بررسی رابطه ی حمایت اجتماعی و افسردگی در دانش آموزان دختر شاهد و غیرشاهد مقطع متوسطه ی دبیرستان‌های شهرستان اهواز، پایان نامهکارشناسی ارشد، دانشگاه شهید چمران،

ـ ریاحی، محمداسماعیل؛ علی وردی نیا، اکبر؛ پورحسین، سیده زینب (۱۳۸۹)بررسی رابطه بین حمایت اجتماعی و سلامت روان، مجله رفاه اجتماعی، شماره ۱۰، (پیاپی ۳۹)، صص، ۱۲۱-۸۵ .

ـ صالحی، مریم(۱۳۸۶) سرمایه‌ی اجتماعی شبکه وجنسیت: بررسی ویژگی های ساختی، تعاملی و کارکردی شبکه اجتماعی زنان و مردان در تهران، نامه‌ی علوم اجتماعی، شماره۳:۹۵. -۶۳.

ـ عبداللهی، مهناز و دیگران (۱۳۸۰)، بررسی رابطه هویت‌یابی و رشد اخلاقی و مراحل مختلف رشد اخلاقی در دانشجویان دختر و پسر دانشگاه اهواز، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید چمران، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی.

ـ غضنفری، احمد، (۱۳۸۲)، بررسی تاثیر هویت و راهبردهای مقابله ای بر سلامت روانی دانش آموزان پایه سوم دبیرستان و پیش دانشگاهی شهر اصفهان، رساله دکتری روانشناسی دانشگاه علامه طباطبایی

ـ فرتاش، سهیلا (۱۳۸۴) رابطه هویت و تعهد با کیفیت دوستی با توجه به نقش جنس و پایگاه اجتماعی، اقتصادی دانش آموزان سال سوم دبیرستان تهران، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم تربیتی و روان شناسی، دانشگاه تهران.

ـ قسامی، محبوبه، (۱۳۸۳)، بررسی رابطه نحوه عملکرد خانواده با سبک‌های هویتی دانشجویان، پایان نامه دکتری روانشناسی، دانشگاه تربیت مدرس تهران

ـ کاستلز، مانوئل (۱۳۸۰) عصر اطلاعات: اقتصاد، جامعه و فرهنگ (قدرت هویت)-جلد۲ – مترجم حسن چاووشیان، چاپ ششم، انتشارات طرح نو.

ـ لطف آبادی، حسین (۱۳۸۱) روانشناسی رشد(۲)، تهران، انتشارات سمت.

ـ محسنی، منوچهر؛ دوران، بهزاد (۱۳۸۲). هویت: رویکردها و نظریه‌ها، مجله علوم تربیتی و روان شناسی دانشگاه فردوسی مشهد دانشکده علوم تربیتی و روان شناسی، جلد چهارم، شماره۱.

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-23]

ـ معتمدی شلمزاری، عبدالله؛ اژه ای، جواد ؛ ازاد فلاح، پرویز ؛ کیامنش، علیرضا(۱۳۸۱) بررسی نقش حمایت اجتماعی در رضایتمندی از زندگی سلامت عمومی و احساس تنهایی در بین سالمندان بالاتر از ۶۰ سال، نشریه روان‌شناسی، شماره ۲۲، صص : ۱۱۵ – ۱۳۳.

ـ نصرتی، محمدصالح؛ مظاهری محمدعلی؛ حیدری، محمود (۱۳۸۵) بررسی تحولی رابطه پایگاه‌های هویت با میزان دلبستگی ایمن پسران نوجوان (۱۴، ۱۶ و ۱۸ ساله) به والدین و همسالان، فصلنامه خانواده پژوهی، شماره ۲(۵)، صص:۳۵-۵۳.

__ Bersonsky, M. D, Nurmi, J. E, Kinney, A & T ammi, k. (1999). Identity processing orientation and cognitive and behavioral strategies: similarities and differences across different contexts. European Journal of Personality 13. PP 105-120.

__ Berzonsky, M. D. (1990). Self- construction over the life- span. A pracess perpective an Identity Formation. Advances in Personal Construct Psychology. Vol. 1. pp155-186.

__ Berzonsky,M. D. (1989)Identity tyle:Conceptualization and measu rement. Journal of Adolescen Research,4,207-281.

__ Berzonsky,M. D. (2003). Identity style and well-being: Does commitment matter? Identity: An International Journal of Theory and Research. 32. 131-142.

__ Berzonsky,M. D: & Ferrari,J. R. (1998). Identity ovientation and decisional stytegies personality and Individual Differences,20,597-606.

__ Bruwer B, Emsley R, Kidd M, Lochner C, Seedat S. (2008). Psychometric properties of the Multidimensional Scale of Perceived Social Support in youth, Comprehensive Psychiatry, V, 49, pp. : 195–201.

__ Cisek, Edward. (2004). the role of future-related thinking and perceived social support in identity development processes, ETD Collection for Fordham University

__ Erikson, E. h. (1968). Identity routh and crisis. New Yourk Norton

__ Hartup. W. W. (1989) Social relation their developmental Significance, American Psychologist, February

__ Kroger, Jane (1996), Identity in Adolescence, the Balance between Self &Other, New York: Rout ledge, p 27

__ Lee, Bongjae. And Andrews, B. L. (2005). Alcohol- Induced Stress and Social Support as Influences of the Adult Substance Abuser's Health and Well- Being, Doctoral Dissertation, University of Pittsburgh, p: 25.

__ Lu, Luo. (1997). Social support, reciprocity and well- being", Journal of Social Psychology, v 131, pp: 618- 628.

__ Marcia, J. E. (1966). Developmental and validation of ego identity Status. Journal of Personality and Social psychology, 3,551-558

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-23]

Waterman,As. (1992). Identity status theory and Evikson ,theory : Commun aities and difference Development Review, 8,185-208.
__ Sarafino, Edward. P. (1998). Health Psychology, Third Edition, New York, John Wiley & Sons.
__ Schwarts,N,(2001). Evaluation ones Life a judgment model of subjective well-being. in F. stracke,M. Argyle and N. schwartz(Eds). subjective well-being. 70,27-47 Jung (1984) Soared Support its relation to heath a Critical evaluation, Basic Applied Social Psychology

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-23]